

## جهانی شدن و اصلاح اداره امور عمومی کشورهای در حال توسعه

نوشته دارن زو (Daren Zhou)

ترجمه محمدرضا طالب زاده

### چکیده

این مقاله به مشکلات جنبش ها و چشم اندازهایی می پردازد که کشورهای در حال توسعه در زمینه اداره امور عمومی در روند جهانی شدن با آن رو به رو هستند و از سه جنبه روابط میان آنها را بررسی می کند ابتدا تأثیر جهانی شدن بر اداره امور عمومی ارائه شده است. جهانی شدن موضوع چنگاکننده ای را به اداره امور عمومی وارد کرده آن را پیچیده تر ساخته است. استفاده از اینترنت و سرعت بخشیده و باعث کامپیوتری شدن وسایل و ابزارهای اداره امور عمومی شده است. همه این عوامل باعث می شود که توقع مردم از کارکنان دولت بیشتر شود. در مرحله دوم برخی از اقداماتی که بشود در پی جهانی شدن اداره امور عمومی صورت پذیرد ارائه شده است. مانند بهبود قوانین و مقررات، بسط حقوق موقرتی، تغییر وظایف دولت، معرفی سازو کار رقابت، توجه به منظور افزایش منزلت کلی کارکنان دولت و مانند آن. در آخر، به این مسئله اشاره شده که جهانی شدن دشواری است دو شبه جهان امروز از یک سو به سمت جهانی شدن و از سوی دیگر به سمت چند قطبی شدن پیش می رود. کشورهای در حال توسعه نیساید فقط مقصد مغنیتی کشورهای غربی باشند بلکه باید مطابق و انصاف موجود خود روش خویش را انتخاب کنند.

### مقدمه

مفهوم جهانی شدن، پس از اینکه در دهه ۱۹۸۰ در رسانه های غربی ظاهر شد، در سطح جهان گسترش یافت. دیر کل سابق سازمان ملل متحد، پتروس غالی، در دهه ۱۹۹۰ اعلام کرد: «تأخیر جهان به عصر جهانی شدن وارد شده است»، چنانکه زمین طی نطقی در بناردهمین کنفرانس ملی حزب کمونیست چین (CPC) اعلام کرد: «ما نباید در تقابل با روند جهانی شدن توسعه اقتصادی، علمی، و فنی

مقتضی فعالیت در جهان عهد دار نسیم» به وسوسه دولت ها و متفکران کشورهای در حال توسعه وظیفه خطیری در ارتباط با چگونگی اصلاح اداره امور در مقابل روند جهانی شدن به عهد دارند.

## تأثیر جهانی شدن بر اداره امور عمومی جهانی شدن چیست؟

جهانی شدن، که مرکز ثقل آن جهانی شدن اقتصاد است، روندی اجتناب ناپذیر از توسعه اقتصاد جهان و مرحله جدیدی از توسعه بخش اقتصاد در سطح بین‌المللی است. جهانی شدن اقتصاد به خرجه جهانی و تعیین منابع اقتصادی شامل سرمایه‌ها، فناوری‌ها، کالاها، نیروی کار و غیره اطلاق می‌شود که از مرزهای هر کشور نیز می‌گذرد. این امر باعث شد که اقتصاد بسیاری از کشورها متغیلاً بارتر و وابسته‌تر به یکدیگر شود و توسعه اقتصادی این کشورها و تمامی جهان متغیلاً بر یکدیگر تأثیر گذاشت و کنترل شود در همین راستا ست که اقتصاد جهانی حیات می‌یابد. به قول کارل مارکس، اقتصاد کابالا تنها بین المللی نیست بلکه جهانی است.

با ظهور انقلاب سوم علمی و انقلاب فناوری و پیشرفت‌های قابل توجه در زمینه فناوری ارتباطات، اطلاعات و اینترنت، اطلاعات به راحتی می‌تواند بدون مانع فضا را در نوردد. در نتیجه مسیر جهانی شدن هر چه سریع‌تر پیوسته می‌شود. با سریع‌تر، زودگذر و وسیع‌تر شدن ارتباطات بین‌المللی، جهان چنان کوچک شده که آن را «دوخته جهانی» می‌نامند.

جهانی شدن نوعی فرایند اجتماعی است که طی آن انسان جهت دستیابی به ارتباط اثر بخش و رسیدن به اهداف دیدگاه‌های همسو در سطح جهانی بیوست بر موانع مکانی و اجتماعی در سازمان و فرهنگ غالب می‌شود. این روند جهانی شدن مسلماً بر حرکت نهادینه به سرعت در حرکت پیشرفت است و هیچ کشوری نمی‌تواند از حیطه قدرت آن خارج شود.

امروزه تأثیر جهانی شدن به طور فرایندهای رو به گسترش است. از میان روابط بین المللی نوسن هیچ یک برجسته تر و متمایز تر از جهانی شدن نیست. جهانی شدن

باعث شده ناعلمت کشورها به یکدیگر منگی و بسر یکدیگر تأثیر گذارند. جهانی شدن تغییرات اساسی در بسیاری از زمینه‌ها از جمله اقتصاد جهانی، سیاست امور نظامی، فرهنگ، علم و فناوری و آموزش و پرورش را در بر داشته است. در همین حال، جهانی شدن تغییراتی نیز در روش‌های تولید، زندگی و تفکر حاصل کرده است.

جهانی شدن به طور قطع تأثیر بسزایی بر اداره امور عمومی بسیاری از کشورها دارد.

## ۱- جهانی شدن مباحث جدیدی را به اداره امور عمومی اضافه کرده است.

جهانی شدن منطقی تشکیلات موجود در آن را در اقتصاد جهان تقویت کرده است. پیدایش و گسترش سازمان بین‌المللی و شرکت‌های فراملی را به جلو رانده است. نهاد اداره امور عمومی جداگانه از قبیل سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل و کشورهای مستقل، همچنین سازمان غیردولتی و شرکت‌های چند ملیتی را تشکیل داده است. در نتیجه ورود موضوع‌های جدید به اداره امور عمومی جهانی، اداره امور فراملی و بین‌المللی به وجود آمده است.

## ۲- جهانی شدن، هدف‌های اداره امور عمومی را پیچیده‌تر کرده است.

جهانی شدن رابطه کشش متقابل، تأثیر متقابل و وابستگی متقابل بین کشورهای مستقل، انواع سازمان‌های بین‌المللی و بین سازمان‌های ملی و بین‌المللی را حلقه می‌کند. به همین دلیل است که ارتباطات اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، آموزشی و فناوری پیشرفت شده است. پیامد این امر تخصیص مجدد منابع اداره امور، چندگانگی در هدف‌های اداره امور و پیچیدگی وظیفه مدیریت ملی و خدمات عمومی است.

#### ۵- جهانی شدن، کیفیت پرتو دولت ها و کارکنان

##### رامی طلبید.

به منظور همسویی با نیازهای جهانی شدن و انقلاب فناوری در عصر کامپیوتر و ارتباطات، قانون اساسی و نظام عملکرد باید منحول شود. لازم است در نظام و نهاد مربوط هر دو، نوآوری صورت گیرد. علاوه بر آن، در جهان بیسی کارکنان دولت نسبت به اداره امور نیز باید بازیگری عمیقی صورت پذیرد. کارکنان دولت پسند بر خود را از تفکر جهانی، هوشیار برای انجام اصلاحات و خلاقیت باشند.

#### ۶- جهانی شدن، مرزهای ملی و حاکمیت ها را

همه پرتو می کند و لذا عواملی را فراهم می کند که به ناپایداری جهانی می انجامد.

بردهای قومی سستی و گروه های مذهبی از ایس بحاکم اند که بر لغت تاریخ، زبان، رسوم و فرهنگ خود را فرستد به حد لذا اختلافات قومی و بر خوردهای مذهبی ذات جهانی را به مخاطره می اندازد.

#### اصلاح اداره امور عمومی در روند جهانی شدن

در روند جهانی شدن، هدف های اداره امور پیچیده تر و مشکلات مالی افزایش می یابد. از این گذشته، خدمات اطلاعاتی اینترنت توسعه می یابد و تنظیم ساختار اقتصادی به اجرا در می آید. موارد فوق دولت ها را به اجرائی اصلاحات در زمینه اداره امور عمومی وای مسی دارد. دولت های برخی از کشورهای توسعه یافته، به واگذاری برخی از وظایف اقتصادی و اجتماعی دولت به جامعه و

#### ۳- جهانی شدن به استفاده از اینترنت سرعت

بخشیده و به کارگیری کامپیوتر را در اداره امور عمومی رواج داده است.

جهانی شدن و انقلاب فناوری اینترنت بر توسعه یکدیگر تاثیر می گذارند و باعث ارتقای آن می شوند. استفاده از اینترنت در اداره امور، تجارت و آموزش و پرورش، کاربرد تجارت الکترونیک و پست الکترونیک روش های سنتی اداره امور را به نحو مازوی تغییر داده است. وقوع این انقلاب در امر مدیریت امور و خدمات بازرهی اداره امور عمومی را افزایش داده است.

#### ۴- با اینکه جهانی شدن باعث پیشبرد توسعه

اجتماعی و اقتصاد جهانی شده است، معضلات جدیدی نیز به همراه داشته است.

برای مثال، از دیدگاه محیط زیست، سوختن شدن آلودون، باران های اسیدی، پیشروی بیابانها، گرم شدن جهان، تخریب محیط زیست، و کمبود منابع در سال های اخیر به چشم می خورد. در زمینه توسعه اجتماعی نیز گسترش بیش از حد جمعیت، اختلاف طبقاتی، بحرانهای مالی، شعله ور شدن جنگ های منطقه ای به دلایل اختلافات قومی، مذهبی و فلسفوی گسترش انواع جنایات مانند قاچاق و استفاده از مواد مخدر، فساد، تروریسم و دیگر موارد نقض حقوق بشر در حال حاضر در جهان وجود دارد. نعلانی موارد یاد شده چالش هایی در فراسوی اداره امور عمومی به وجود می آورد که باید با همکاری و کار طاقت فرسای تمامی نهادهای اداره امور در جهان حل و فصل شوند.

بین المللی، و دیگر مشکلات را باید طبق قوانین مشترک و روش‌های خاص مرتفع کرد. بعضی از قوانین بین المللی، قراردادهای و مقررات رایج منسوخ شده‌اند و با نیازهای جهانی شدن منطبق نیستند. از این رو دولت‌ها بر اساس حفظ استقلال و امنیت کشورهای متبوع خویش باید با مذاکره به وضع قوانین و مقررات جدید بپردازند و قوانینی را که کاملاً حافظ منافع کشورهای در حال توسعه باشد به مرحله اجرا در آورند.

کشورهای در حال توسعه در ابتدا بسایه کیفیت وضع قوانین خود را افزایش دهند. دولت‌های این کشورها منابع اکثریت را به عنوان یک اصل اساسی در نظر گیرند، بدین صورت که بیان کننده اراده و خواست عموم باشند. قوانین و مقررات فعلی را طبق فرایند جهانی شدن اصلاح و تنظیم کنند. قوانین کهن را ملغی و نظام قانونی کاملی که مطابق با نیازهای جهانی شدن باشد برقرار کنند.

در کشورهای در حال توسعه به دلیل تأثیر فردسالاری طولانی گذشته گرایش به حاکمیت فرد وجود داشته و حاکمیت قانون در آنها ضعیف است. لذا دولت و کارمندان در کشورهای در حال توسعه باید به تقویت حاکمیت قانون بپردازند. دیدگاه‌ها، عادات و روش‌های کاری جمهوری را که با جهانی شدن مطابقت ندارد عوض کنند و به افزایش توان اداره امور تحت نظارت قانون بپردازند. آگاه بودن از قوانین نه فقط آشنایی با اجرای قوانین و مقررات داخلی است بلکه مطلع بودن از قوانین و مقررات بین المللی را نیز شامل می‌شود. آنها باید بدانند چگونه از لحاظ قانونی به موضوعات بین المللی و موضوعات داخلی، امور اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بپردازند.

اگر کشورهای در حال توسعه خواستار حکومت قانون و اجرای آن هستند باید اطمینان حاصل کنند که قوانینی وجود دارد که از آن اطاعت کند. این قوانین باید فریباً به

بازار اقدام می‌کنند تا بدینوسیله کارکنان اداری به تبع آن بار مسئولیت دولت را کاهش دهند در تضاد با بین نیاز فراینده خدمات عمومی و حمایت مالی گسترده دولت. کشورهای غربی به منظور بکارچگی قدرت اداری دولت با تخصص بازار، نظام بازار را در خدمات عمومی معرفی کرده و بدینوسیله بازردهی دولت را افزایش داده‌اند. در نتیجه این اصلاح عملکرد، دولت از مراقب به میانجی اجتماعی فعال و از میانجی به خدمتگذار تبدیل شده است. جهانی شدن به عنوان یک قدرت فرا ملی چالش است جدی در مقابل اداره امور عمومی کشورهای مستقل و نهدیدی است برای کشورهای در حال توسعه که فاقد قدرت اداری هستند و توانایی ایجاد نظام اداره امور علمی و قانونی را ندارند. در عین حال فرصت‌های طلایی است برای جامعه و اقتصاد کشورهای در حال توسعه کارآمد که می‌توانند این روند را دنبال کنند و با جذب به اصلاحات بپردازند.

لذا در این روند جهانی شدن اگر کشورهای در حال توسعه بخواهند از این فرصت جهت توسعه اقتصاد خود بهره ببرند باید خود را در زمینه اداره امور تغییر دهند و به اصلاح اداری عمومی، عمیق تر بیندیشند تا بتوانند نظام اداره امور عمومی استاندارد و کارآمدی را با عملکردی یکپارچه به دست آورند.

### ۱- تکمیل قوانین و مقررات و اداره امور با وضع قوانین

کشورهای مستقل سازمان‌های بین المللی و شرکت‌های فراملی در فرایند جهانی شدن از دیدگاه اداره امور بین المللی باید مشکلات مشترک زیادی را حل و فصل کنند. برای نمونه تأسیس بازار متحد جهانی، حفاظت از محیط زیست، امنیت جهانی، همکاری در آموزش فناوری‌ها و بهره‌برداری از آنها، فروداسی، مهاجرت

### ۲- تفسیر وظایف دولت و تقویت روحیه همکاری

جهانی شدن، رقابت در سطح بین‌المللی را تشدید می‌کند. رقابتی که هدف آن کسب موقعیتی برتر برای توسعه اقتصادی کشور است؛ متعاقب فرایند جهانی شدن، قالب سازمان اجتماعی و زندگی دگرگون می‌شود و به طرز طبیعی دولت مجبور است مدیریت خود را افزایش دهد. لذا مدیریت اداره امور نوین پیچیده تر می‌شود و روش خاصی پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، توجه بیشتری به خدمات و تربیختی برای دوره ای خاص پیدا می‌شود. در کشورهای در حال توسعه که عملکرد ضعیف آنها سازماندهی و هدایت اقتصاد ملی است توجه به اداره امور باید بر ساحتن اقتصاد و توسعه اجتماعی متمرکز باشد و وظایف دولت در راستای تنظیم اقتصاد، اداره جامعه و خدمات عمومی متمرکز شود. از این رو دولت باید وظایف اداره امور را تعدیک کند و سرمایه گذاری و عملیات بازرگانی و از اداره امور، سیاست را از توسعه و سیاست را از جامعه معزول کند. دولت باید قدرت را به رده‌های پایین‌تر واگذارد و برنامه ای ارائه کند که سازمان سرمایه‌گذاری کوچک در سطح مجلس آن را به اجرا در آورد. دولت نباید یک‌تاز صحنه قدرت باشد بلکه باید به وظایف خطیرتری بپردازد که به وضعیت کلی جامعه مربوط می‌شود مانند پایه ریزی اقتصاد و توسعه اجتماعی دولت در فرایند ارائه خدمات به بخش اقتصاد و جامعه و ضرورت جهانی شدن، باید وظیفه بازرگانی خود را رها کند و وظیفه «سکان داری» را برگزیند. فعالیت اقتصادی دولت نیز باید تغییر بیابد. از مدیریت اقتصاد سبده به نظارت اقتصاد کلان، از در دست گرفتن مدیریت تولید به هدایت سازمان، و از گرفتن ابزار اداره امور، به در دست گرفتن اقتصاد و قانون (به عنوان عامل تعیین کننده)، دولت برای تغییر در سمت و سوی وظایف خود باید به معرفی

اجرا در ابتدا، قانون شکنان نباید مجازات شوند، و آحاد مردم در مقابل قانون پیکان باشند.

### ۳- گسترش چشم انداز دموکراسی و اجرای دموکراتیک قوانین

جهانی شدن، فرایند دموکراسی را نیز به پیش می‌راند. در فرایند جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه باید مردم را در به کنارگیری قدرت اداره دولت و اجتماعی و هدایت کنند. این نظریه سنتی اداری را که می‌گویند «قانون ممکن است به طریق دموکراتیک تدوین شود اما اداره امور باید متمرکز باشد» نباید کنار گذاشت. دانسته مشارکت شهروندان در امور اجرایی باید گسترش یابد. این روش موافق در جهت بازسازی وجهه دولت و افزایش کارایی اداره امور است.

دولت با گسترش مردم سالاری باید بخشی از قدرت اجرایی را به بخش خصوصی تفویض کند و هرچه بیشتری در جهت شرکت در اداره امور عمومی و اداره موضوعات اجتماعی و ملی در اختیار آن قرار دهد. دولت باید انتخابات مردمی برگزار کند، تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها مردمی باشد، نظارت و مدیریت مردمی را نهادینه کند، و حقوق و آزادی مشروع مردم و به خصوص حقوق بشر را تضمین کند. امور باید به صورت باز و شفاف اداره و عملیات حتماً سیاه کنار گذاشته شود. موضوع‌های مهم باید به منظور گذاشته شود و مردم راجع به آنها تصمیم بگیرند. این روش مؤثری برای اجتناب از دیوانسالاری و از میان بردن فساد است.

دولت باید قلمرو مردم سالاری را در سطح نوده‌های مردم گسترش دهد و نیز به شهروندان مطمئن دهد که اداره امور خصوصی و رفاه آنها طبق قانون به مورد اجرا درمی‌آید و مردم بر کار مسئولان اجرایی، نظارت می‌کند.

## ۵- بهره‌گیری از سازوکار رقابت و بهبود سطح

### دانش کارکنان دولت

جهانی شدن توان کارکنان دولت یا کارکنان کشوری را به سراره شلیده است. هم اکنون پایین بودن سطح علمی کارکنان کشوری کشورها به طور جدی گسارایی اداره امور دولت را تحت تاثیر قرار داده است و توسعه بافنگی واگند می سازد حل این معضل اهمیت بسیاری دارد.

استعداد اولین موضوعی است که در حوزه رقابت داغ جهانی شدن تجلی پیدا کرده است. دولت باید اصلاح نظام کارکنان را گسترش دهد و افرادی را انتخاب کند که دارای بینش نظری، دانش، آگاهی از مسائل جهانی و نظریاتی بدیع هستند. برطبق اصل برابری، رقابت و انتخاب اصلاح، دولت باید کارکنان کشوری را به حد کمال برساند و آزمون و امتحان را ترکیب کند تا مستعدترین افراد انتخاب شوند. دولت موظف است مدیریت کارکنان دولت را ارتقا بخشد، مسئولیت های آنها را بررسی کند. روشن است که ارتقا و نزل سمت کارکنان محرک جدی برای رقابت محسوب می‌شود، انسان را به کار سخت تشویق می‌کند و موجب بهبود نحوه انجام وظیفه آنان می‌شود؛ یا به کارگرفتن این سیاست کارمندان دولتی نمونه‌ای را در سطح تشکیلات دولت خواهیم داشت.

دولت موظف است آموزش کارکنان کشوری را ارتقا بخشد. ساختار دانش آنها را به روز کند. روحیه حرفه‌ای را در آنها تقویت کند و توان اجرایی آنها را بهبود بخشد. دولت موظف است نظامی دقیق براساس کنش متقابل انصراف عزله و بازنشنگی به وجود آورد تا با بنویسید انرژی فعالیت طیفه کارمند دولت تقویت شود. در نتیجه کارمندان متخصص و کارآمد اداره امور تربیت خواهند شد که می‌توانند نیازهای جهانی شدن را برآورده سازد.

ساز و کار بازار بهره‌دار و شرایط اداره امور را که می‌تواند از طریق بازار تنظیم و تخصیص یابد و واگذار کند.

## ۶- کاهش تصدی سازمان دولت و بهبود کارایی خدمات

از آنجا که در کشورهای در حال توسعه نظام اقتصاد بازار برقرار نشده است، دولت به صورت قطرت مطلق تجلی پیدا می‌کند و به تبع پدیده‌های جدیدی نمایان می‌شود مانند: سازمان دست و پاگیر و فاقد کارایی، کارکنان انسانی، اختراع، تکنیک نشدن وظایف، دولت از وظایف شرکت‌ها، دیوانسالاری شدید، رشوه خواری، و گسارایی اندک، همه موارد فوق از معضلات مشترک سازمان اداره امور هستند که نه تنها بار مالی سنگینی برای دولت دارند بلکه فساد و رشوه خواری را در میان افرادی که از مزیت‌های خاصی برخوردارند رواج می‌دهد.

با پیشرفت فرایند جهانی شدن، هر کشوری به اصلاح اداری خود روی آورده است. دولت چنین اصلاحات را از مجمع دولت و پس از آن از بالا به پایین و به نحو منظمی آغاز کرد و به نتایج شنی دست یافت. پس از پایان یافتن اصلاحات در مجمع دولت بنا به اقتضای اقتصاد بازار سوسیالیستی، کشور چین سعی می‌کند اصلاحات را به نامی رده‌های سازمانی گسترش دهد. دولت به منظور تغییر وظایف باید رابطه میان شرکت، جامعه، سولط اخلاقی و خود را پویا کند. سازمان دولت را بر طبق مسئولیت و قدرت هماهنگ تنظیم نماید و مسئولیت‌ها و وظایف را تقسیم کند. به دنبال اصل ساده سازی، یکنواختی، کارآمدی، در امر اصلاحات، دولت به منظور کامل سازی نحوه ارائه خدمات باید نظام اداری واقعاً کارا و کاملاً استاندارد و هماهنگ شده‌ای را ایجاد کند.

با این وصف، به دلیل اینکه کشورهای توسعه یافته غرب شرایط حاکم بر پیشرفت جهانی شدن و اداره امور سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های فراملی را کنترل می‌کنند و از این امکان برخوردارند تا از جهانی شدن به عنوان وسیله‌ای جهت تسلط بر جامعه بین‌الملل استفاده کنند، توسعه جهانی از کنترل حاکمیت ملی فراتر رفته است و قدرت کشوری اداره امور را به چالش می‌خواند و حاکمیت ملی دیگر کشورها را تهدید می‌کند. از این رو در فرایند جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه باید آگاهی هوشمندانه‌ای نسبت به درگیری‌ها و برخوردها در جامعه بین‌المللی داشته باشند و سیاست‌های سیاسی اتحاد و استقلال اداره امور کشوری محافظت کند. در این صورت کشورهای در حال توسعه می‌توانند خود را تقویت و حفظ کنند و از «ظرفی شدن» و «تقسیم شدن» در روند رقابتی فرایندی که در پیشرفت جهانی شدن وجود دارد دوری بگیرند.

برای به‌سوی خود آوردن اصطلاح نظام و حرکت اداره امور عمومی کشورهای در حال توسعه اول باید سابقه تاریخی، رسوم فرهنگی، شرایط اقلیمی، ویژگی‌های ملی خود را نظر بگیرند، و از تجربه نظام اداره امور عمومی کشورهای توسعه یافته به عنوان مرجع استفاده کنند و دستاوردهای نظری نوین اداره امور عمومی را قلمرو بگیرند تا بتوانند نهایتاً نوع جدیدی از اداره امور عمومی را شکل دهند که هم با تقاضای پیشرفت جهانی شدن و هم با استقلال اداره امور کشور خودشان سازگار باشد تا بدینوسیله عزت و استقلال ملی را حفظ کنند. معیار مدیریت دولت و خدمات را ارتقا دهند و جایگاه بین‌المللی خود را بهبود بخشند درحالی‌که حائز اگر کشورهای در حال توسعه بدون در نظر گرفتن مصالح خود از نظام اداره امور غربی تقلید و آن را کپی کنند جامعه پابان ناپدیری رودر و پستان قرار خواهد گرفت پس از بروز تغییرات

## ۶- توجه به وظایف نهاد مشاوره‌ای و مشورتی

### «مفرد متشکر»

کشورهای در حال توسعه باید در فرایند جهانی شدن توجه زیادی به عملکرد افراد مستعد داشته و سازمان‌های اداره امور گوناگونی را برای علوم و مشاوره ایجاد کنند تا اطلاعات خارج از دولت گسترش یابد و اداره عمومی علمی‌تر، مردمی‌تر و قانونی‌تر شود. در عمل، دولت می‌تواند مراکز پژوهشی و سازمان‌های تحقیقاتی تاسیس کند تا به جمع آوری و تحلیک اطلاعات بپردازد و در تصمیم‌گیری‌های دولت نظر مشورتی ارائه کنند. مراکز پژوهشی می‌تواند از مؤسسات اجتماعی، دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، کارشناسان، متفکران، تحلیلگران اجتماعی و سازمان‌های غیر دولتی در تصمیم‌گیری‌های دولت استفاده کنند.

به طور کلی، بخش تصمیم‌گیری دولت نباید به تنه‌ا دیدگاه‌های قابل قبول کارشناسان و متفکران احترام گذارد. آنها را بپذیرد و از استدلال‌هایشان در جهت تصمیم‌گیری و مودمندی تصمیمات و افزایش کارایی دولت بهره‌گیری.

## جهانی شدن شمشیر دولبه

جهانی شدن شمشیری است دولبه، به این معنی که برای هر کشور سود و زیان‌هایی دارد. یکی از کارشناسان مجمع اقتصاد جهانی می‌گوید جهانی شدن موجب است عظیمی است که اگر موج سوار خوبی نباشد عفرق خواهد شد. اگر کشورهای در حال توسعه با قاطعیت از فرصت‌های تاریخی استفاده کنند، با چالش‌ها رو به رو شوند، از فرصت‌های طلایی در جهت تصمیم‌های حاصل تولید در گستره جهانی بهره‌براری کنند و منابع اقتصادی ملی خود را به حد کمال برسانند، توسعه اقتصادی، پیشرفت علوم و فناوری و اداره امور عمومی کشورشان به ثمر خواهد رسید.

آغاز کرد از این نمونه است. این دخالت‌ها در امور داخلی دیگر کشورها روشی عملی نیست زیرا جهان به سوی چند قطبی شدن پیش می‌رود و شکست مجمع وزرای سازمان تجارت جهانی در مسائل دلبلی بر این گفته است: اسفا لازم است همه کشورها برای تنظیم مقرراتی جدید برای جهانی شدن مذاکره کنند.

سوم، جهان به سوی جهانی شدن و چند قطبی شدن پیش می‌رود که باهم تناقضی ندارد. جهان بخشی و رنگارنگ است و تنوع آن باید محترم شمرده شود. تمامی کشورها حق دارند نظام‌های اجتماعی، راهکارهای توسعه، روش زندگی و نظام‌های اداره امور عمومی خود را مناسب با شرایط خود انتخاب کنند. امروز متوسط به هر کشوری را باید مردم آن کشور تعیین کنند و موضوع‌های جهانی باید بر اساس دستور سازمان ملل متعدد تنظیم شوند. چنین امری با جهانی شدن مغایرت ندارد بلکه مکمل آن است. □

عمیق در رویای غربی، فروپاشی اتحاد شوروی سابق و نظام پانزده، بسیاری از کشورها به تقلید از نظام اداره امور غربی پرداختند. در نتیجه، این کشورها به مدت زیادی با بی‌نظمی و بحران مواجه شدند که می‌توان از اقتصاد بیچاره، افشانش اجتماعی، پایین آمدن استاندارد زندگی مردم و افزایش تبه کاری نام برد. چنین نتایجی باید عمیقاً مورد توجه قرار گیرد.

دوم، جهانی شدن نباید اسب و فرست را برای کشورهای در حال توسعه به همراه بیاورد و توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها را موجب نشود. بنابراین، کشورهای توسعه یافته ملایمدار جهانی شدن نباید سیاست سلطه و قدرت را در دستور کار خود قرار دهند و نهادهای سیاسی، آموزش‌ها، اپیدئولوژی و نظام‌های اجتماعی خود را بر کشورهای در حال توسعه اعمال کنند. آنها نباید از جهانی شدن برای سلطه جوی اقتصادی استفاده و در امور داخلی دیگر کشورها دخالت کنند. و جهت انحصار طلبی خود به بهانه دفاع از حقوق بشر حاکمیت ملی دیگر کشورها را خدشه دار سازند. جنگ سردی که ناتوانی آن را

#### پی‌نوشت

این مقاله در اولین کنفرانس بین‌المللی منطقه ای موسسه بین‌المللی علوم اداری بلژیک ارائه شده است. کنفرانس مذکور از ۳۰ خرداد لغایت دوم تیر ماه ۱۳۷۹ در شهر بولونزیای ایتالیا برگزار شده است که به علت موارد بحث بودن موضوع در ماه‌های اخیر این مقاله از بین مقالات دفتر برنامه‌ریزی مدیریت و سامانه‌ها - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انتخاب گردیده است.